

در آستانه‌ی یک انقلاب

خیابان‌های پتروگراد، بار دیگر به زبان سال ۱۹۰۵ سخن می‌گویند. توده‌ها مانند دوره‌ی جنگ روسیه و ژاپن، نان، صلح، و آزادی را مطالبه می‌کنند. در خیابان‌ها مانند سال ۱۹۰۵، ترامواها دیگر کار نمی‌کند و روزنامه‌ای وجود ندارد. کارگران، بخار دیگ‌های جوشنده را بیرون داده، نیمکت‌های خود را ترک کرده و به خیابان‌ها می‌ریزند. حکومت، قزاق‌ها را بسیج می‌کند. همان طوری که در سال ۱۹۰۵ رخ داد، دو قدرت در خیابان‌ها با یکدیگر روبرو می‌شوند: کارگران انقلابی و ارتش تزار.

محرك این جنبش کمبود نان بود. این البته یک علت تصادفی نیست. در همه‌ی کشورهای که در جنگ هستند کمبود نان، فوری‌ترین و حادثه‌ترین دلیل نارضایتی و خشم در میان توده‌ها است. کل جنون جنگ برای آن‌ها از این زاویه آشکار می‌گردد: تولید نیازمندی‌های زندگی از این رو غیرممکن است که باید وسایل مرگ را تولید کرد.

در این میان، آژانس‌های خبری نیمه رسمی انگلیسی-روسی که می‌کوشند تا علت جنبش را کمبود موقت مواد غذایی یا تأخیر در وسائل حمل و نقل به دلیل طوفان‌های برفی جلوه دهند، یکی از شگفت‌آورترین راه‌های استفاده از سیاست کبکی است [که سر خود را زیر برف می‌کند]. کارگران هرگز تنها به علت تأخیر موقت در ورود مواد غذایی بر اثر طوفان برفی، کارخانه‌ها،

ترامواها و چاپخانه‌ها را رها نمی‌کنند تا برای مقابله رو در رو با تزاریزیم به خیابان‌ها بریزند.

مردم حافظه‌ی کوتاهی دارند. بسیاری از صفوف خود ما فراموش کرده‌اند که جنگ زمانی شروع شد که روسیه در تب انقلابی نیرومند می‌سوخت. پس از رکود سنگین سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۱، پرولتاریا تدریجاً به زخم‌ها خود در سال‌های رفاه صنعتی‌ای که به دنبال داشت، بهبود بخشید؛ کشتار اعتصاب‌کنندگان در «رودخانه‌ی لنا» در آوریل ۱۹۱۲، انرژی انقلابی توده‌های پرولتر را بیدار کرد و اعتصابات پی‌درپی آغاز گردید. در سال قبل از شروع جنگ جهانی، موج اعتصابات اقتصادی و سیاسی، شبیه به اعتصابات ۱۹۰۵ بود. در تابستان ۱۹۱۴ وقتی «پونکاره»، رئیس جمهوری فرانسه به پتروگراد آمد (تا ظاهراً با تزار بر سر نحوه‌ی آزادی ملل کوچک و ضعیف صحبت کند)، پرولتاریای روسیه در مرحله‌ی تنش انقلابی فوق‌العاده‌ای بود و رئیس جمهوری فرانسه می‌توانست با چشم خود ببیند که در پایتخت دوستش، تزار، چگونه اولین سنگ‌های دومین انقلاب روسیه در حال بنا شدن بود.

جنگ، سدی در مقابل اوج انقلاب گردید. ما شاهد تکرار آن چیزی هستیم که ده سال پیش نیز در جنگ بین روسیه و ژاپن اتفاق افتاد. پس از اعتصابات پُرتلاطم سال ۱۹۰۳، سالی با سکوت سیاسی تقریباً ممتد را در پی داشت - سال ۱۹۰۴ - که اولین سال جنگ بود. دوازده ماه طول کشید تا کارگران پترزبورگ توانستند موضع خود را نسبت به جنگ مشخص کرده و با مطالبات و اعتراضات خود به خیابان‌ها بریزند. ۹ ژانویه ۱۹۰۵، در واقع به نوعی آغاز رسمی اولین انقلاب ما بود.

جنگ کنونی گسترده‌تر از جنگ بین روسیه و ژاپن است. میلیون‌ها سرباز به دستور حکومت برای «دفاع از سرزمین پدری» بسیج شده‌اند. از اینرو

صفوف پرولتاریا غیرمتشکل شده است. از طرف دیگر، عناصر مترقی تر پرولتاریا بالاچار در افکار خود با سنوآل‌هایی روبرو بوده و باید پاسخ می‌دادند که ابعادی بیسابقه داشت: علت جنگ چیست؟ آیا پرولتاریا باید با مفهوم «دفاع از سرزمین پدری» موافق باشد؟ تاکتیک‌های طبقه‌ی کارگر در دوران جنگ چه باید باشد؟

در عین حال، تزاریزم و متحدین آن، گروه‌های نجیب زادگان و بورژوازی رده بالا، در طول دوران جنگ خصلت حقیقی خود را کاملاً افشا کرده بودند. خصلت چپاولگران جنایتکاری که حرص بی حد و مرزشان آن‌ها را کور و استعدادشان را فلج کرده بود. ولع باند حاکم برای پیروزی هر بیش‌تر، به موازات درک روزافزون مردم از ناتوانایی کامل قدرت حاکم در حل ابتدایی‌ترین مسائل جنگ، صنعت و تدارکات در دوران جنگ، به پیش می‌رفت. همزمان، فلاکت و بدبختی در میان مردم رشد کرده، عمیق‌تر گشته و روز به روز حادث‌تر گردید. نتیجه‌ی طبیعی از ترکیب جنگ با آناشیزم جنایتکارانه‌ی تزاریزم خرافی.

در عمق توده‌های عظیم، در میان مردمی که شاید هرگز یک کلمه تبلیغات به گوششان نرسیده بود، نارضایتی عمیقی ناشی از رویدادهای نگران‌کننده انباشته می‌گردید. در عین حال، پیشروترین صفوف پرولتاریا در حال به پایان رسانیدن هضم رویدادهای جدید بود. پرولتاریای سوسیالیست روسیه، پس از شوک سقوط ناسیونالیزمی که مؤثرترین بخش «بین‌الملل» بود، وارد میدان شد و به این نتیجه رسید که دوران جدید، نه به ضعف ما بلکه به افزایش مبارزه‌ی انقلابی ما نیاز دارد.

رویدادهای کنونی در پتروگراد و مسکو، نتیجه‌ی این کار آماده‌سازی داخلی است.

یک حکومت غیرمتشکل، مصالحه آمیز و غیرمتعارف در بالا؛ یک ارتش کاملاً ناامید و تخریب شده. نارضایتی، عدم اطمینان و هراس در میان طبقات مالک. تیغ زهرآگین، در میان توده ها، تلخی و نارضایتی عمیق. پرولتاریایی که از نظر کمی نیرومندتر از هر زمان دیگری بود، در آتش رویدادها سرسخت شده بود. همه‌ی این ها در تضمین این موضوع است که ما شاهد آغاز دومین انقلاب روسیه هستیم. باشد که بسیاری از ما در این انقلاب شرکت کنیم.

لنون تروتسکی

ژانویه ۱۹۱۷

مترجم: سارا قاضی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۸